

سرمقاله

مبارزه جدی با نشان های افراط گرایی در محیط های فرهنگی

محمد رضا هویدا

دید نظامی به بحران جنگ و ناامنی در افغانستان، باعث شده تا در بیش از سیزده سال گذشته، بیشترین حجم کمک های جامعه جهانی به بخش امنیت سرازیر شود و همین طور بیشترین توجهات به بخش نظامی باشد. میلیاردها دالر بیه بخش امنیت و نظامی اختصاص یافته است. در هر کنفرانس و مجلسی که با موضوعیت افغانستان برگزار شده، عرصه نظامی و جنگ جایگاه ویژه خود را داشته است. عرصه فرهنگ مغفول ترین بخش در میان بحث ها، توجهات و کمک های جامعه جهانی در افغانستان قرار داشته است. شاید کمترین بخش کمک به این بخش اختصاص داده شده باشد. در همین حال دولت افغانستان نیز عمده ترین توجه خود را به بخش نظامی معطوف داشته است و این امر را می توان از بودجه ملی به خوبی دریافت. بخش اعظم بودجه ملی افغانستان به عرصه نظامی اختصاص یافته است.

نگاهی به برنامه های رسانه های گروهی به خصوص رسانه های دیداری و شنیداری و همین طور به مواد درسی در معارف و تحصیلات عالی نیز جایگاه فرهنگ را در برنامه های دولت افغانستان به خوبی نشان می دهد. رسانه های دولتی در افغانستان با کمترین موضع گیری علیه طالبان و افراط گرایی در کشور و مبارزه برخاسته اند. شاید رسانه های گروهی خصوصی بیشترین بار مبارزه با افراط گرایی را بر دوش بکشند. دانشگاه ها نیز که منبع تغذیه فکری جامعه به شمار می روند، نیز می بایست جایگاه ویژه ای در برنامه ریزی های دولت افغانستان داشته باشد. دانشگاه نباید زمینه های ترویج افراط گرایی و تفکرات تندروانه را فراهم سازد. دانشگاه جای عقلانیت است و اگر دانشگاه نتواند خاصیت اصلی خود که همانا گسترش عقلانیت، تفکر، انتقاد، اصلاح گری و سازندگی خود را حفظ کند، مطمئناً به هیچ صورت نمی توان به آن جامعه امیدوار بود و انتظار داشت که بتواند رو به رشد و ترقی و توسعه راه بینماید. هشدارهای زیادی در سالهای گذشته از سوی منابع و افراد مختلفی نسبت به گسترش افراط گرایی و نفوذ افراط گرایان در دانشگاه های کشور داده شده بود. حتی در ماه های گذشته، در یکی از دانشگاه های کشور شماری از دانشجویان در حمایت از یکی از گروه های تروریستی شعار داده بودند و پرچم آن را بالا کرده بودند. این هشدارها معمولاً با انکارهایی همراه بوده است و چنان که رسم دولت افغانستان است، هشداردهندگان متهم به بدبینی شده بودند.

در حالی که دانشگاه ها و مدارس از دیر زمانی به مکان های جذابی برای گروه های افراطی و تندرو شناخته شده است. در این مکان ها گروه های افراطی با استفاده از پتانسیل هایی که در میان جوانان وجود دارد به ترویج افکار و اندیشه های تند و افراطی اقدام می کنند. غایب بودن و بی توجه بودن دولت افغانستان به این مهم نیز زمینه را برای حضور افراط گرایان بیشتر فراهم ساخته است. حتی بروز حوادث ناگواری در شماری از دانشگاه ها که در بعضی موارد به مرگ محصلان انجامید نیز نتوانسته است دولت افغانستان را بیدار کند که حساسیت بیشتری نسبت به حضور گروه ها و افراد تندرو در دانشگاه های کشور داشته باشند. کسانی که در سال های اخیر در دانشگاه های کشور درس خوانده اند به خاطر می آورند که اندیشه ها و افراد افراطی چگونه در دانشگاه ها حضور علنی دارند. بخش عمده ای از این وضعیت به مدیریت دانشگاه ها و اساتیدی که به گونه های مختلف وارد دانشگاه شده اند برمی گردد. جذب پایین و ناچیز اساتید با ظرفیت های علمی بالا که در رشته های مختلف تحصیل کرده اند و فضای بسته دانشگاه نیز مزید بر علت شده است. نمی توان نادیده گرفت که شماری از پوهنزی های در دانشگاه مختلف کشور شدیداً بسته هستند که کمتر کسی می تواند وارد این گونه مجموعه ها شود.

دولت افغانستان باید در مورد فضاهای فرهنگی و علمی توجه ویژه ای داشته باشد و نگذارد دانشگاه ها به محیط های تبلیغ افراط گرایی مبدل شوند. هر گونه نشانه افراط گرایی باید با جدیت دنبال شود و با هر گونه علامت افراط گرایی شدیداً مبارزه شود.

رویداد غمناک هفته ی گذشته ی کابل نشان داد که وضعیت امنیتی کشور تا چه اندازه شکننده است و استراتژی امنیتی حکومت تا چه اندازه آسیب پذیر. این آسیب پذیری از کجا ناشی می شود؟ چگونه تروریستان تا چند کیلومتری ارگ ریاست جمهوری کشور می رسد و مواد منفجره شان را انتقال می دهند؟

اینگونه سئوالات بعد از هر حمله ی انتحاری در کابل، از سوی شهروندان و کنشگران اجتماعی و حتی بسیاری از سیاست مداران و نمایندگان مجلس مطرح شده است. اما هنوز پاسخ روشن به این سئوالات از سوی مسئولین امنیتی و رهبران حکومت وحدت ملی داده نشده است. تکرار حملات انتحاری و عدم پاسخ روشن حکومت به سئوالات و ابهامات موجود در رابطه به این حملات، اندک اندک اعتماد مردم را از حکومت کاهشی می دهد و حکومت وحدت ملی را با بحران بی اعتمادی روبرو خواهد کرد. در صحبت های عادی شهروندان در کوچه و بازار و همچنان در رسانه ها و فضای مجازی، موجهی از انتقادات علیه حکومت بعد از هر رویداد ناگوار امنیتی شکل می گیرد و شهروندان به همان اندازه که از سربازان کشور حمایت می کنند، از استراتژی امنیتی حکومت انتقاد می کنند. این نشان می دهد که به هر اندازه که وضعیت امنیتی کشور رو به وخامت بگذارد، اعتماد مردم نسبت به حکومت نیز کمتر خواهد شد و امید مردم نسبت به آینده نیز کاهش خواهد یافت و در واقع گروه های تروریستی همچنان که در میدان جنگ فزینگی و خشونت آفرینی دست بالای دارند، جنگ روانی را نیز به نفع شان ختم می کنند. اعتماد سازی بین ملت و دولت یکی از ضروریات حکومت وحدت ملی در شرایط فعلی است و نباید به سادگی از کنار آن گذشت. عدم شفافیت در پاسخگویی به مشکلات امنیتی و سایر مشکلاتی که دامنگیر حکومت وحدت ملی است، روند اعتماد سازی را خدشه دار خواهد کرد و حکومت وحدت ملی را نیز با چالش های فراوان روبرو خواهد ساخت. با وجودی که گفته می شود حلقاتی در پی

تشدید نا امنی و ضرورت اعتماد سازی!

مهدی مدیر



بین خود و شهروندان را بردارد و عملکرد مسئولانه در قبال خواست شهروندان از خود نشان دهد و به مردم و شهروندان پاسخگو باشد. اما اگر این روند برعکس شود و مردم احساس کنند که حکومت به نگرانی های آنها مسئولانه پاسخ نمی دهد، آن زمان فرهنگ بی تفاوتی در برابر حکومت اوج می گیرد و از طریق گسترش فاصله میان مردم و حکومت و با استفاده از شگاف های وجود آمده، دشمنان درونی و بیرونی به راحتی می توانند امنیت را در ابعاد مختلف مختل ساخته و به تدریج جامعه را دستخوش نا امنی و بی ثباتی سازند. واقعیت این است که هم حکومت قبلی و هم حکومت وحدت ملی، هیچ کدام بعد از حملات مرگبار انتحاری به مردم نگفته اند که کجای کارشان نقض داشته اند و تروریستان و مخالفان چگونه توانسته اند تا قلب پایتخت کشور نفوذ کنند و خونبار ترین حملات انتحاری را انجام بدهند و چه کسانی در راستای انجام وظیفه شان تقافل کرده اند. در چنین مواردی مردم افغانستان حد اقل دو انتظار عمده از حکومت دارند: چه کسانی در انجام وظیفه کوتاهی کرده اند

قاطعیت در مبارزه با مخالفین یکی از جدی ترین خواست ها و انتظارات شهروندان از حکومت قاطعیت در امر مبارزه و سرکوب مخالفین مسلح و گروه های تروریستی است. مردم افغانستان انتظار دارند که حکومت با تمام توان کسانی را که شهروندان بی گناه کشور را به خاک و خون می کشاند، سرکوب کند و به سیاست مدارا پایان دهد. تقریباً بعد از هر رویداد خونین تروریستی مردم از حکومت خواسته اند که سیاست جنگ و صلح خود را بازبینی کند و استراتژی جنگ را تغییر دهد و جنگ را با جنگ پاسخ بگوید و بیش از این بصورت یکجانبه بر طبل صلح طبلنی نکند. در واکنش به این انتقادات و حمله انتحاری هفته ی قبل بسر ریاست امنیت رجال برجسته، حکومت افغانستان نیز اعلان کرده است که پیش از این بخاطر ختم جنگ و پایان دادن به خشونت در کشور اولویت اولویت اولی و گفتگو بود و اما این بعد از این رویداد اصلی حکومت افغانستان، جنگ و سرکوب شورشیان و گروه های تروریستی خواهد بود. این تصمیم حکومت افغانستان و اولویت دادن به پاسخ مسالمانه و جنگ با گروه های تروریستی، می تواند برای شهروندان کشور امیدوار کننده باشد و نشانی از عزم و اراده جدی حکومت در راستای تامین امنیت پنداشته شود، اما حکومت باید این تصمیم را بصورت عملی نشان دهد تا اعتماد و همکاری و پشتیبانی مردم را بدست بیاورد. همکاری در صورتی می تواند اعتماد و باور مردم را بدست بیاورد و آنها را به مشارکت جهت تامین امنیت و ثبات ترغیب کند، که چنانچه مردم از خود تهجد و مسئولیت پذیری نشان دهد و پاسخگو باشد. چیزی تا کنون در حرف زیاد گفته شده است اما در عمل نشانی از پاسخگویی و مسئولیت پذیری وجود نداشته است. اعتماد سازی و پاسخ روشن به سئوالات و ابهامات موجود در رابطه به رویدادهای تروریستی، می تواند مشارکت مردم را در تامین امنیت و ثبات بهتر سازد و جنگ روانی و رسانه ای را نیز به نفع حکومت افغانستان تغییر دهد.

مواجهه با تروریسم؛ رویکرد نظامی، سیاسی و یا حقوقی

قسمت دوم



به این ترتیب که سازمان مجرمانه با رد نظام سیاسی حاکم در جهت سرنگون کردن آن تلاش می کند و در صورت لزوم مرتکب اقدامات تروریستی اعم از تخریب، هواپیما ربایی - گروه گانگیری، حملات نظامی، قتل مدیران سیاسی جامعه و انسانهای بیگناه می شود. (U.N.Doc. E/CN.4/1969/15) نسبت به هدف اول اتفاق نظر وجود دارد. بسیاری از حقوقدانان هدف دوم را نمی پذیرند. با آن که واقعیت خارجی نشان میدهد گاه مجرمان سازمان یافته برای رسیدن به قدرت مثلاً ورود به پارلمان، قوه مجریه و یا سایر مراکز تصمیم گیری تلاش می کنند، اما نکته مهم این است که به قدرتی سیاسی هرگز به عنوان هدف اصلی و غایی

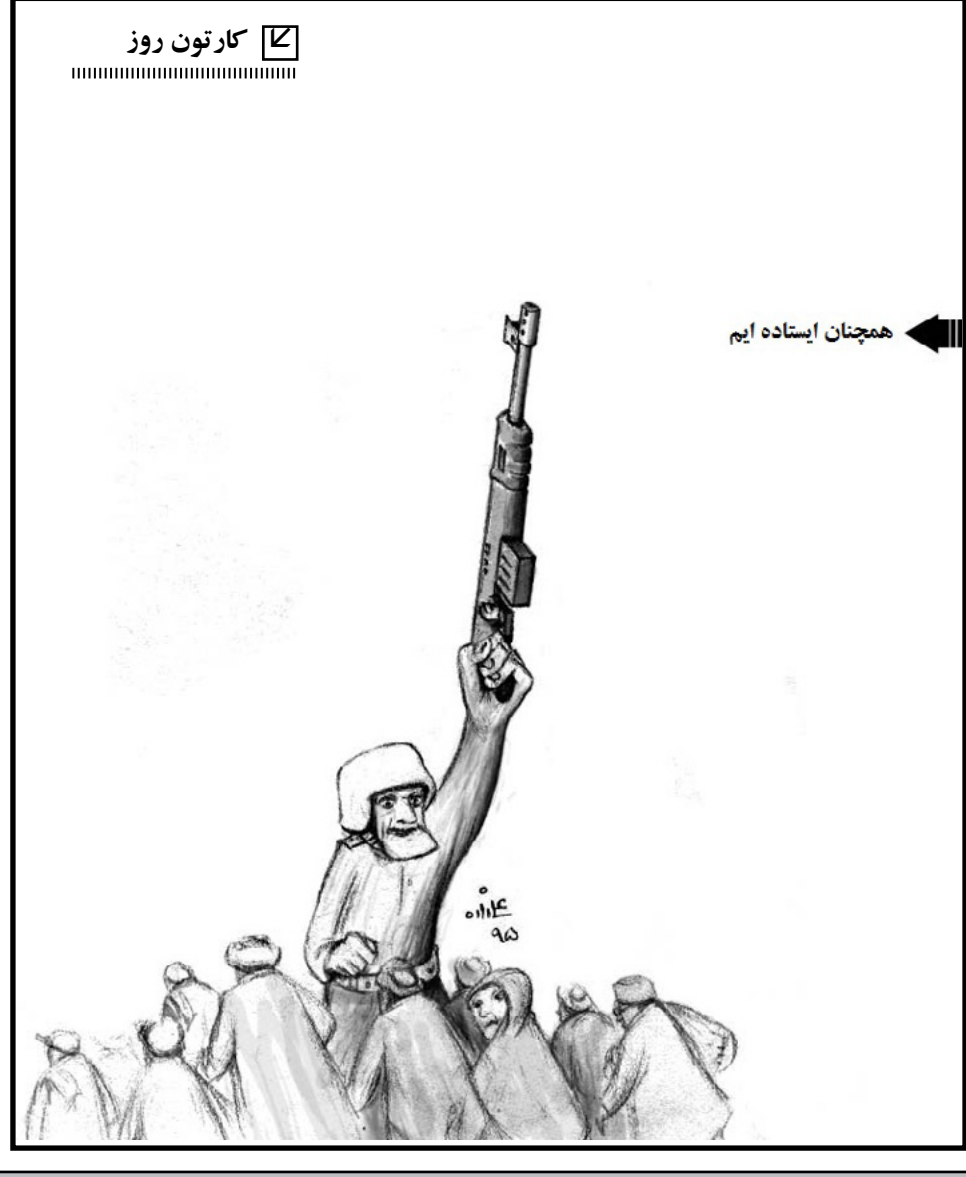
تصویب رساند. این قطعنامه هر چند از نکات روشنی برخوردار است، دارای ابهام نیز هست و گاه مناقضی می نماید. به درستی روشن نیست شورا حمله یازده سپتامبر را چگونه توصیف کرده است. در مقدمه قطعنامه، شورای امنیت بر حق ذاتی دفاع فردی و جمعی تأکید می کند. [۳]

شورا در اولین پارگراف اصلی، حمله را محکوم نموده، آن را حمله دهشتناک تروریستی Horrifying Terrorist Attacks خواند و آنرا تهدیدی علیه صلح و امنیت بین المللی دانست. (U.N Security Council Resolution, ۲۰۰۱, ۲۰۰۱) جالب است که به نظر شورا اقدام یک سازمان تروریستی و نه یک دولت میتواند تهدیدی علیه صلح و امنیت بین المللی باشد. مهمتر این است که شورا حمله را به عنوان حمله مسلحانه (Armed Attack) توصیف نکرد که دولت قربانی بتواند در پی آن در چارچوب ماده ۵۱ منشور ملل متحد به دفاع مشروع توسل شود. آیا میتوان گفت چون شورا در مقدمه، حق دفاع فردی و جمعی را به رسمیت شناخته است، پس حمله را حمله ای نظامی توصیف کرده است؟ در قطعنامه تصریح شده است که شورای امنیت آماده است تا کلیه اقدامات لازم را برای پاسخگویی به این حملات تروریستی بر پایه تعهداتی که به موجب منشور ملل متحد بر عهده دارد به کار بندد. احتمالاً مراد این است که شورا، آمادگی دارد در صورت لزوم اقدام نظامی یا اقدامات دیگر را تجویز کند، اما با صراحت اجازه اقدام نظامی صادر نمی کند. مجمع عمومی نیز در قطعنامه ای آنرا به عنوان اقدام شایع و وقیحانه تروریستی (heinous acts of terrorism) محکوم نمود، ولی نه آن را حمله نظامی مینامید و نه، به حق دفاع مشروع اشاره ای کرد. بدین ترتیب قطعنامه مجمع ضمن فاصله گرفتن از قطعنامه شورا، توصیف حقوقی اقدام را مقدری مهمتر ساخت. (UN General Assembly, ۲۰۰۱) در همان روز دوازدهم سپتامبر شورای ناتو با استناد به ماده ۵ معاهده واشنگتن که حق دفاع مشروع جمعی را در صورت حمله به هر یک از اعضاء آن برپایه بیانیه صادر و حمله یازده سپتامبر را حمله نظامی توصیف نمود. (The North Atlantic Treaty, ۱۹۵۹) بنا براین ملاحظه میشود دولتهای بسیاری اعم از اعضاء دائم شورای امنیت و غیر آن حمله تروریستی یازده سپتامبر را که احتمالاً توسط یک سازمان تروریستی صورت گرفته است.

تروریستی دانست که در آن از سیستم های اطلاعاتی یا فناوری دیجیتالی چه به عنوان ابزار حمله و چه به عنوان آماج حمله استفاده می شود. این حملات باید منجر به ایجاد خشونت بر ضد اشخاص یا دارایی ها به میزانی شود که ایجاد رعب و وحشت نماید. استارک سبایر تروریسم را چنین تعریف می کند: «عبارت است از استفاده هدفمند یا تهدید به استفاده از جنگ رایانه ای یا توسل به خشونت بر ضد اهداف رایانه ای یا انگیزه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی یا مذهبی از سوی گروه های غیر دولتی یا گروه های تحت هدایت و حمایت دولت به منظور ایجاد ترس و نگرانی و وحشت در جمعیت مورد نظر و آسیب رساندن به دارایی ها و اموال نظامی و غیر نظامی» (Rod Stark, ۱۹۹۹, ۹p).

خوشونت برنامه ریزی شده با انگیزه سیاسی توسط کارگزاران پنهان دولت بر ضد هدف های غیر رزمی اعمال میشود. به باور وایت تروریسم انقلابی یعنی به کارگیری تاکتیک های شبیه پارتیزانی برای ایجاد رعب و وحشت در صاحبان قدرت سیاسی و طرفداران آنان به قصد براندازی دولت مردان موجود و به قدرت رساندن رهبران سیاسی دارنده نظرات تروریستها. او میگوید: تاکتیکهای رایج مورد استفاده عبارتند از: آدم ربایی، قتل و بمب گذاری (CF: Ibid).

خود نمی نگرند، بلکه قدرت سیاسی را وسیله ای برای کسب قدرت اقتصادی بیشتر و رانت خواری های گسترده تر اقتصادی تلقی می کنند. هدف سوم نیز مورد مخالفت بسیاری از حقوقدانان قرار گرفته است؛ حتی اگر مجرمان سازمان یافته در جهت سرنگون کردن حکومتی تلاش کنند و به اقدامات خشونت بار دست زنند، اما چون سودجویی انگیزه آنان است و فاقد گرایش ایدئولوژیک هستند، نمی توان آن جرم را تروریستی محسوب کرد و یا هدف سرنگونی حکومت را از آن جرم سازمان یافته، دانست. انواع تروریسم: تروریسم تنوعی به مراتب بیشتر از دهه های گذشته یافته است. به شایعترین گونه های تروریسم اشاره میکنیم. جاناتان وایت (Jonathan white) به پنج نوع متمایز از تروریسم تصریح کرده است: تروریسم جنایی (Criminal terrorism) تروریسم ایدئولوژیک، تروریسم ملت گرا، تروریسم دولتی و تروریسم انقلابی. (Michael D. Lyman, ۲۰۰۰, A. ch. ۱) وی تروریسم جنایی را متضمن استفاده از ترور برای جلب منفعت مادی یا معنوی دانسته و تروریسم ایدئولوژیک را به نوعی تلاش برای تغییر قدرت سیاسی حاکم تعریف کرده است. تروریسم ملت گرایانه را متفاوت از تروریسم ایدئولوژیک دانسته و آن را نوعی فعالیت تروریستی معرفی نموده که از منافع یک گروه قومی یا ملی فارغ از ایدئولوژی سیاسی آن، پشتیبانی میکند. به نظر او تروریسم دولتی موردی است که نظامهای حاکم در روابط بین المللی و خارج از تشریفات پذیرفته شده دیپلماتیک، اعمال خشونت یا تهدید به استفاده از آن میکنند. این



روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله یانگتر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد. روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است. www.dailyafghanistan.com Email: thedailyafghanistan@yahoo.com